

Study of thought and performance of salafi movements and theirs political and security consequences

Reza Eltiaminia*

Abstract

Extremism roots in the Islam world could be found in growth of salafism and wahabism that caused to creation of extremism currents and forces with the west support in the region. After appearance of wahabiat in the second half of 18centur and its spread and influence and changes happened in the 20century in the political and social conditions of Muslim countries , the political, social and cultural faces of Islam has changed in the region of middle east, north Africa, south Asia and southeast Asia. In addition to growth of Muslim religious awareness, gradually, some of theirs political and cultural attributes have transformed. salafi movements based on their epistemology, religious, jurisprudence and its theological principles classified into traditional or limitation salafi, narrations, scientific, Sufi, jihadi and takfiri salafi. How prioritize three epistemology mean religion, narration and reason has in their interpretation of religion principles because prioritize to three principle of epistemology support especial kind of political system .findings of this research shows that traditional, narration, scientific, Sufi and takfiri-jihadi salafi are not successful in spread of political development and resolve of the five crisis and could not provide consistent political development and security in this countries.

Keywords: Salafi, Security, Political thought, performance, movements.

* faculty member of department of political science of yasouj university. eltyam81@yahoo.com

Date received: 10.07.2021, Date of acceptance: 11.10.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مطالعه اندیشه و عملکرد جنبش های سلفی و پیامدهای سیاسی و امنیتی آنها

رضا التیامی نیا*

چکیده

ریشه افراط گرایی در جهان اسلام را می توان در رشد تفکرات سلفی و وهابیت یافت که موجب تربیت نیروها و جریانات تندرو با حمایت غرب در منطقه شده است. پس از ظهور وهابیت در نیمه دوم قرن هیجدهم و سپس گسترش و نفوذ آن و در پی تحولاتی که به ویژه در قرن بیستم در اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورهای مسلمان رخ داد چهره سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اسلام در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی آسیا نیز تغییر کرد. گذار از اسلام صلح طلب و ناب علوی به اسلام افراط گرا، تندرو و وابسته به غرب مهم ترین تغییر در چهره اسلام در جهان اسلام در دو قرن اخیر می باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که جریانات سلفی بر اساس بنیادهای فکری به چند جریان تقسیم می شوند و پیامدهای سیاسی و امنیتی ظهور و گسترش جریانات فکری سلفی در سطح منطقه ای و جهانی چیست. یافته های پژوهش نشان می دهد سلفی های سنتی، نقل گرا، جامی یا علمی، صوفی و جهادی - تکفیری قادر به تشکیل حکومت دموکراتیک و فراگیر در کشورهای اسلامی نیستند و فاقد توانایی لازم برای ایجاد الگوی سیاسی بدیل در جهان اسلام و امنیت پایدار و همه جانبه هستند.

کلیدواژه ها: سلفیه، امنیت، توسعه سیاسی، بحران، مشارکت سیاسی.

* استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه یاسوج، eltyam81@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جنبشهای سلفی دارای ویژگی‌ها و خط و مشی‌های مختلف هستند و می‌توان آنها را به لحاظ ساختار، ویژگی‌های فکری و عقیدتی، اهداف و منافع، شرایط زمانی و مکانی، عملکرد و شیوه مبارزه آنها را دسته‌بندی و مطالعه کرد. اغلب جریانات وهابی و سلفی دغدغه اصلی آنها تشکیل حکومت اسلامی بر اساس شیوه سلف است اما لزوماً به دنبال حل بحران‌های پنگانه توسعه سیاسی نیستند و فقط شعار بازگشت به ارزشهای اسلامی و احیای اسلام سلف را به عنوان یگانه راه حل‌رهایی از بحرانهای پنگانه می‌دانند اما فاقد الگوی عملی، مردمی و عقلانی برای رسیدن و تحقق این هدف در جوامع اسلامی هستند. اسلام سیاسی گفتمانی است که اسلام را متکفل امور اجتماعی و سیاسی و تشکیل حکومت می‌داند. همچنین اسلام سیاسی دکترین یا نهضتی است که اعتقاد دارد اسلام دارای نظریه‌ای مربوط به سیاست و حکومت است (فاضلی، ۱۳۸۳: ۳۲). فضای سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی و اسلامی تا به امروز در مسیر توسعه سیاسی خود با چالشها و موانع متعددی رو به رو بوده است. توسعه سیاسی در کشورهای عربی و اسلامی از زمان ظهور سلفی‌ها روندی هموار و رو به رشد نداشته است. قبض و بسط توسعه سیاسی به سبب وجود چالشها و موانعی نظیر ضعف جامعه مدنی و دموکراتیک، تسلط دولتهای رانتیر و استبدادی و استفاده ابزاری از جریانات اسلامی تندرو سلفی بوده است. جریان سلفیه در طول تاریخ اسلام، چندین بار در نقاط مختلف جهان اسلام ظاهر شده است. به طور کلی، جریان سلفیه مدعی است در صدد احیای سیره سلف صالح یعنی سیره مسلمانان صدر اسلام است. اصطلاح سلفی، بر طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی و اندیشمندان اهل سنت اطلاق می‌شود که منادی بازگشت به شیوه سلف (پیشوایان اهل سنت در قرون نخست اسلامی) هستند. آنان شیوه سلف را نمایانگر اسلام ناب می‌دانند که جامعه باید به آن برگردد تا مجد و عظمت خود را باز یابد (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۵).

جنبش سلفی یک جنبش فوق‌العاده محافظه‌کار در درون اسلام سیاسی وهابی است. بسیاری از جریانات سلفی تکفیری و وهابی رویکرد تقلیل‌گرا و گزینشی نسبت به آیات قرآن کریم دارند. آنها صرفاً به آیاتی توجه می‌کنند که به خشم و غضب خداوند اشاره دارد نه آیاتی که به رحمت و مهربانی خدا دلالت می‌کنند. برای مثال حق قصاص برای همه انسانها وجود دارد اما قرآن کریم تأکید می‌کند که بخشش برای انسان‌ها بهتر است. تکفیر

در اسلام تنها در شرایط خاصی مجاز است و مربوط به کسانی است که نسبت به مسلمانان اصرار بر دشمنی و جنگ دارند کلمه تکفیر از کلمه کفر گرفته شده است و به معنی پوشاندن یا پنهان کردن است. در اصطلاح فقهی یا مذهبی، کلمه تکفیر به معنی پوشاندن نعمات یا برکات خداوند است. بنابراین کافر یعنی کسی که نعمات و برکات خدا را می پوشاند (قرآن کریم، سوره ۴۰، آیه ۲).. سلفی های جهادی تکفیری به ویژه داعش به آسانی مردم پیرو آیین و مذاهب دیگر را تکفیر می کنند و از این طریق سعی می کنند اعمال خشونت آمیز خود را توجیه کنند. تکفیر سلاح عمده و مهمی است که توسط سلفی های جهادی تکفیری برای تکفیر و طرد بسیاری از مردم، حتی مسلمانان مورد استفاده قرار گرفت. تکفیر ریشه انحصار طلبی مذهبی و سیاسی می باشد (fadaei, 2017, 57).

البته همه جریانات سلفی در پی طرد توسعه و رفاه و یا بازگشت به گذشته نیستند بلکه هدف اصلی برخی از این جریانات از جمله اخوان المسلمین اخلاقی کردن سیاست و دمیدن روح ایمان به کالبد انسان تک ساحتی مدرن و تزریق معنویت به دنیای قدسیت زدایی شده و شئی گونه سرمایه داری معاصر بود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۵۸). هدف اسلام سیاسی سلفی و گفتمان آن بازسازی جوامع مسلمان بر اساس احکام شرعیت الهی است و هرگونه تقلید از غرب و یا شرق را نکوهش می کند. با این حال اسلام و شرعیت اسلامی از مفهوم-ها و نهادهای مدرنی چون جمهوریت، دموکراسی، قانون، آزادی، برابری و حتی حقوق بشر، استفاده می کند و می کوشد تا به آنها در چهارچوب گفتمانی خویش معنا دهد کند. البته نظریه پردازان اسلام سیاسی سلفی جنبه های سکولار تمدن غرب را نفی کردند و مشکلات جوامع معاصر را به دوری از دین و معنویت نسبت داده و راه رهایی از آنها را توسل به ارزش های دینی و بازگشت به اسلام سلف می دانند. این گفتمان با تاکید بر مشکلات و معضلات جامعه با هدف اسطوره سازی و رقابت در فضای گفتمانی متکثر جهان اسلام گام بر می داشت و تلاش می کرد تا با فاصله گرفتن از واقعیات موجود جامعه، به تعریف حوزه عمل فراگیر که منطبق با خواسته ها و تقاضاهای حداکثر عناصر و گروه ها باشد اقدام نماید (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۰).

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که ویژگی های فکری، سیاسی و خط و مشی های جنبش های سلفی چگونه است؟ چه تفاوتی بین گفتمانها و جنبش های سیاسی سلفی وجود دارد؟ پیامدهای سیاسی و امنیتی ظهور این گروه ها در جهان اسلام چیست.

۲. چهار چوب نظری

در این پژوهش از چهارچوب نظری تلفیقی استفاده می شود. عوامل شکل گیری جنبش ها از نظر مارکسیست ها تضاد طبقاتی و آگاهی طبقاتی است. نظریه ساختاری کارکردی بر این نکته تاکید دارد که جامعه یک کل همبسته و دارای اجزا است جامعه در خدمت کل است مبنای همبستگی نه ترس است و نه اقتصاد بلکه ارزشهاست و چیزی که از گذشته مانده است کارکرد ندارد. همبستگی اجتماعی را ارزشها برعهده دارند و نیل به اهداف و حل تنش های اجتماعی وظیفه سیاست است و تطبیق با شرایط موجود را اقتصاد بر عهده دارد. ارزشها مکانیسم کنترل اجتماعی هستند. و اگر در کلیت سیستم کاستی در کارکرد و نقش اجزا به وجود آید باعث برهم خوردن رابطه سیستماتیک اجزا شده و این منشاء رفتارهای جمعی و شرکت افراد در جنبشهای اجتماعی یا اسلامی است. اساسا جنبشها و قیامها نشانه دو چیز است: نشانه بحران و بیماری در سیستم و ضعف مکانیزم کنترل اجتماعی است دوم نشانه تلاش جمعی مردم جامعه برای ایجاد همبستگی جدید بر اساس مکانیسم جدید است. نظریه دیگری که به خوبی توان تبیین و تحلیل رفتار و ظهور جنبشهای اجتماعی و اسلامی را دارد نظریات تبیین توده ای هانا آرننت، نظریه فشار ساختاری، نظریه بسیج منابع و نظریه ساختی هویتی است. طبق نظریه تبیین توده ای، سرعت تغییرات یا نوسازی مساوی است با سست شدن ارزشهای سنتی در جامعه. وقتی ارزشهای دینی و سنتی جامعه ضعیف می شود پیوندها و همبستگی های اجتماعی ضعیف و سست می شوند. در آن صوت جامعه به لشکری از افراد منزوی و تنها تبدیل می شود و تلاش می کنند امنیت قبلی خود را دوباره بدست آورند و اینگونه لشکری برای جنبشهای اجتماعی فراهم می شود. نظریه فشار ساختاری به دو مسئله توجه دارد: نابرابری و عدم هماهنگی بین ارزشها و محیط. عده ای فکر می کنند سهم عادلانه در جامعه ندارند و باعث شکل گیری جنبشهای اجتماعی می شوند. همچنین وقتی محیط یک محیط سنتی است ارزشهای مدرن که خودش یک فشار ساختاری است و باعث شکل گیری جنبشها می شوند. نظریه بسیج منابع نقش کارگزار را مهم می داند و جنبشهای اجتماعی را حاصل اراده افراد و فعالیت آگاهانه آنها می داند. نظریه ساختاری ارزشی هم بر نقش ارزشها در شکل گیری جنبشها تاکید دارد و معتقد است پیدایش طبقه متوسط حامل یکسری ارزشهای مدرن هستند مانند توسعه، پیشرفت، آزادی و.. این ارزشهای مدرن نیاز به جنبش دارند تا در جامعه مشروعیت

پیدا کنند. نظریه ساختی هویتی نیز معتقد است که جنبشها در پاسخ به بحران هویت به وجود می آیند هویت در همه جاساخته می شود هویت مذهبی، قومی، زبانی و ملی. از نظر فکری، هویت مذهبی و ملی جوامع اسلامی از جانب جنبشهای فراملی و جهانی شدن در معرض فشار و تهدید است و جنبشها در پاسخ به این تهدیدات هویتی به وجود می آیند و جنبشهای اسلامی، جنبش های هویت گرا هستند (<http://siasatzadegi.blogfa.com>).

۳. زمینه های تاریخی شکل گیری جریان های سلفی

جنبش سلفی اخوان المسلمین و گفتمان سیاسی آن اولین واکنشی بود که برای یافتن پاسخی مناسب و درمانگر به آن سوال عمده (دلایل انحطاط و عقب ماندگی در جهان اسلام و بحران هویت) برآمد، جنبش اخوان المسلمین که از اولین، مهمترین و فراگیرترین واکنش و گفتمان در برابر تقاضاها و بحرانهای پیش روی جهان اسلام و مسلمانان بود، اقدامات و تلاش های گسترده و مؤثری را در راه رسیدن به فرمولی که قادر باشد جهان اسلام را از تنگناها و بحرانهای درگیر با آن عبور دهد از خود به نمایش گذاشت (موتقی، ۱۳۷۱: ۱۰۹). پیدایش جنبش های اسلامی و سیاسی شدن اسلام به عنوان یک عنصر اجتماعی و سیاسی فعال در دوران معاصر، پدیده نوینی است که برای آن، نمونه ای در قرون گذشته وجود نداشته است. سید قطب معتقد است تنها دو موضوع وجود دارد و موضوع سومی در کار نیست یا اینکه به خداوند و پیامبر (ص) پاسخ مثبت دهیم یا اینکه پیرو هوی و هوس شویم. یا حکومت خداوند یا حکومت جاهلیت. یا حکومت اداره امور بر پایه آنچه که خداوند نازل کرده است و یا ایجاد فتنه علیه آنچه که خداوند فرستاده است. محمد قطب معتقد است بر پایه معیارهای الهی، صرفاً دو نوع حکومت وجود دارد: حکومت خداوند یا حکومت جاهلیت. قطب می گوید: هر جامعه ای به غیر از جامعه اسلامی، جامعه جاهلی است و چنانچه بخواهیم عیناً و منصفانه حد و مرز آنرا مشخص کنیم می توان گفت: جامعه ای که به طور کامل خداوند یکتا را پرستش نکنند یعنی عبودیت در مفهوم ایمان، در فرمانبری احکام الهی، در اصول قانونی آن متبلور نشود، جامعه جاهلی است و بر پایه این تعریف عینی، می شود گفت که جامعه جاهلی در عمل تمامی جوامع امروزی موجود بر روی زمین را شامل می گردد. چون به ربوبیت کسی غیر از خداوند یکتا اعتقاد دارند یا اینکه از کسی به جز خداوند فرمانبری می کنند در شمار جوامع جاهلیت قرا می گیرند بلکه

آنها (جوامع مسلمان) بدین خاطر در این مقوله (جوامع جاهلیت) قرار می گیرند که مذهب خداوند را به کار نمی بندند (Mark, 2017, 115).

بیشتر جنبش‌های دینی گذشته‌ی جهان اسلام که رنگ و بوی فرقه‌ای داشت، در راستای باورهای فرقه‌ای و البته در واکنش به سیاست حکومت‌های دینی، به ویژه خلافت یا نظام-های پادشاهی مدعی برخورداری از مشروعیت دینی شکل می گرفت. خواسته‌های آنها نیز تا آن جا که به مسایل سیاسی و اجتماعی و فکری مربوط می شد متفاوت بود. بیشتر این جنبش‌ها با حکومت‌های محلی بومی درگیر بودند و غیریت و خصم خود را جهان غرب و عوامل و نیروهای آن تلقی می کردند، درحالی که اسلام سیاسی معاصر و طرفداران آن بیشتر به توسعه‌ی گسترده‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جهان اسلام در برابر رقیب اصلی آن یعنی جهان غرب می اندیشد. و برخی از جریانات اسلامی هم به دنبال گسترش عقاید فرقه‌ای و یا براندازی حکومت‌های محلی (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

ابوحنیفه، چهار موضوع یا عمل کلیدی را مطرح می کند که در ایجاد دیدگاه‌های خشن و افراط گرایی در میان جوانان برخی از کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز نقش دارند. وی می گوید فقدان امنیت، مسئله فلسطین، مسائل فرقه ای و سرکوب در این کشورها، انگیزه های کلیدی و مهمی برای سوق دادن جوانان سلفی به سمت افراط گرایی می باشد. در منطقه خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی تعداد قابل توجهی از افراد این جوامع در ناامنی دائمی یا حتی در تهدید موجودیتی زندگی می کنند. کین وال این وضعیت را در چارچوب تئوری امنیت هستی شناختی یا موجودیتی توصیف می کند که در آن تهدیدات موجودیتی، جامعه فیزیکی یا هویت ساختاری، روان شناسی جمعی و فردی را برای حفاظت بسیج می نماید (Kinnvall, 2004, 741-767).

طرفداران اندیشه خلوص مذهبی و پیراستن دین از بدعت ها علاوه بر تکیه بر قرآن و سنت به سیره سلف صالح نیز استناد می کنند و از این رو به سلفیه معروف شده اند. شیخ محمد ابوزهره می نویسد: سلفیه در قرن چهارم هجری پیدا شدند. آنها از پیروان مذهب حنبلی بودند و حتی با بعضی از علمای حنبلی درگیر و در مناقشه بودند و در همان دوران، جدای از گرایش های مشترک ضد فلسفی و غیر عقلی میان سلفیون و اشاعره، میان آنها نیز جدالها و منازعات شدیدی جریان داشت و هر یک از این دو طایفه مدعی بودند که به مذهب سلف صالح دعوت می کنند (موثقی، ۱۳۷۱: ۷).

۴. گونه شناسی جریانات سلفی

برخی محققین در طبقه بندی جریانات سلفی به مشی مبارزاتی این گروهها توجه می کنند و آنها را تحت عنوان رادیکال و میانه رو طبقه بندی می کنند. نوع نگرش به مبانی کلامی یعنی، اعتقاد به معاد، نبوت، امامت و عدل موجب دفاع آنها از الگوها و مدل‌های مختلف سیاسی و راهبردهای مختلف می شود. بر اساس نوع نگاه به توحید، ایمان و کفر، انسانها را به موحد، مشرک و کافر تقسیم می کنند (فوزی، ۱۳۸۹: ۴-۵). اختلاف بین خرده گفتمان‌های متعدد سلفی تنها بر سر تعریف سلفیه نیست بلکه نزاع شدیدی درون خود گفتمان سلفی درباره مصداق سلفی واقعی وجود دارد؛ چرا که هر یک از این خرده گفتمان‌ها مدعی نمایندگی گفتمان سلفی، اسلام و توحید و سیره سلف و سنت نبوی هستند و گمان می کنند که تجلی شرعی حقیقی آن هستند. در این گفتمان درگیری‌های شدیدی درباره اینکه چه کسی نماینده واقعی سلفی گری است در جریان است. همچنین سلفی‌ها در میزان تسلف، اهداف و ابزارهای نیل به هدف با یکدیگر اختلاف دارند. از این رو همانگونه که محمد عماره می گوید اصطلاح «سلفیه» یکی از اصطلاحاتی است که پیچیدگی، ابهام و عدم وضوح، آن را فرا گرفته است. از این رو برخی از پژوهشگران بین چندین خرده گفتمان سلفی تفاوت قائل می شوند که فهم هر یک از آنان از سلفیه با دیگری متفاوت است. انور عبدالهادی ابو طه از گفتمان‌های سلفی تاریخی، سلفی مدرسی، سلفی نهضتی، سلفی ملی گرا، سلفی جنبشی، سلفی جهادی، سلفی‌رهاییی بخش، سلفی تجدیدنظرطلب یاد می برد. (ابوطه، ۲۰۱۵: ۵-۸). در ادامه به گونه شناسی جنبشهای سلفی می پردازیم.

۱.۴ سلفی سنتی یا تاریخی

نقل گرایی سنتی، جریانی فقهی در بین مسلمین است که به نفی نقش عقل در استنباط شرعی و رد هر گونه تاویل، تفسیر و مبارزه با فلسفه و عرفان، مشهورند و با اصالت دادن به ظواهر شریعت، نگاهی خاص به دین را موجب شده اند. هر چند در بین فرقه های مختلف اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت چنین گرایشاتی دیده می شود اما در بین برخی فرقه های اهل سنت همچون حنبلی ها و مالکی ها گرایشهای شدیدی به نقل گرایی وجود دارد (صاحبی، ۱۳۷۰: ۲۸).

از گفتمان سلفی سنتی با نامهای گفتمان سلفی تاریخی، سلفیه علمی یا آلبانی، سلفیه سنتی یا تقلیدی نیز یاد می‌شود. سلفیه آلبانی خود را دعوتی برای بازگشت به اصول و روشی علمی و عملی می‌داند که صحابه و تابعان حاملان آن بوده‌اند. همچنین اعتقادی به کار جمعی ندارد و فعالیت خود را بر بعد تبلیغی و تربیتی محدود ساخته، تحزب و تشکیلات را رد کرده و آن را نوعی بدعت می‌داند. هدف آن ایجاد زندگی اسلامی، اجرای شریعت و دستیابی به حکومت به صورت غیر مستقیم از طریق اسلامی‌سازی جامعه است به این معنا که با نظام‌های حاکم درگیر نمی‌شود و مشروعیت حاکمان دینی و سیاسی را به اعتبار آنکه ولی امر هستند، انکار نمی‌کند و از ابزارهای تبلیغی مسالمت‌آمیز برای انتشار اصول خود استفاده می‌کند. باور دارد که باب اجتهاد تا روز قیامت گشوده است و از طریق آن می‌توان به بسیاری از پرسش‌ها و شبهات و مسائل معاصر که امت درگیر آن است، از طریق فتاوا و اجتهادات پاسخ داد (عماد، ۲۰۱۳: ۹۷۸).

گفتمان سلفی وهابی یا سلفی سنتی را می‌توان گفتمان راهنما برای تمامی گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های سلفی بعدی دانست که در جهان عرب و جهان اسلام قد علم کرده است و از بطن گفتمان سلفیه وهابی است که گفتمان‌های دیگر سلفی سر برآورده است. گفتمان وهابی در اینجا گفتمان دینی است که در طول قرون گذشته به دست علمای نهاد دینی رسمی سعودی، وارثان محمد بن عبدالوهاب توسعه یافته است (Al-Fahad, 2004).

مذهب حنبلی که مذهب اصلی سلفیه سنتی است بر پنج اصل استوار است: کتاب الله، سنت رسو الله، فتوای صحابه پیامبر (ص)، قول برخی از صحابه که موافق کتاب باشند و تمام احادیث مرسل و ضعیف. هم‌اکنون بسیاری از این جنبش‌ها، در جهان اسلام به عنوان جنبشهای فرهنگی و کمتر سیاسی فعال بوده و عمدتاً محافظه کار و میانه رو هستند و تلاش می‌کنند هویت اسلامی را در جوامع محافظت کنند. مصادیق این جریان را می‌توان در تشکلهای مذهبی بسیاری از جوامع اسلامی در آسیای مرکزی، بالکان و آسیای جنوب شرقی مشاهده کرد (فوزی، ۱۳۹۸: ۸). گفتمان جامی سپر حفاظتی برای موجودیت نظام حاکم عربستان می‌باشد و مانع از شکسته شدن هژمونی گفتمان حاکم سعودی شد (حدادی، ۲۰۱۱).

آنچه برای سلفیه سنتی یا نقل‌گرای محافظه کار بسیار اهمیت دارد، اطاعت از حاکم کشور اسلامی است که از نظر آنان این نوع از اطاعت، واجب است. به گونه‌ای که انتقاد به

دولت اسلامی یا حاکم مسلمان را از محرمات و تظاهرات و قیام در برابر او را نوعی خروج از دین می‌شمرند. در نقطه مقابل، این جریان فکری، صبوری در برابر حاکم یا دولت اسلامی را از واجبات قلمداد می‌کنند، هرچند در قامت مجری قوانین اسلامی، بر طبق احکام اسلامی عمل نکنند. بر این پایه می‌توان استنباط نمود که این جریان دارای سمت و سوی فکری محافظه کارانه است. آنها دغدغه‌ای جز اجرای شریعت آنهم در نوع فردی آن ندارند و در پی ارائه اصلاحات سیاسی و اجتماعی نیستند. شعار آنان «من السیاسة ترک السیاسة» است و بر لزوم اطاعت از حاکم تاکید می‌کنند و فساد حاکمان را نتیجه فساد مردم می‌دانند. آنها گاهی سخن از نفی تقلید و انفتاح باب اجتهاد به میان می‌آورند و رسالت خویش را تصفیه اعتقادی مسلمانان می‌دانند و بزرگترین جبهه را در تقابل با تصوف و تشیع شکل داده‌اند. احمد بن حنبل و تقی الدین ابن تیمیه، به عنوان منبع الهام و پدر معنوی آنان شناخته شده و محمد بن عبدالوهاب بنیان گذار حکومت سیاسی این جریان در جزیره العرب است. متداولترین کتابها در بین این گروه، اصول السنه ابن حنبل، العقیده الطحاویة، العقیده الواسطیه و منهاج السنه ابن تیمیه، کتاب التوحید و کشف الشبهات ابن عبدالوهاب است. بزرگترین نماینده این مکتب، جنبش وهابیت در عربستان است که توانست طی یک دوره قدرت‌های سیاسی ناپایداری مانند دولت طالبان در افغانستان را پدید آورد و موفق به توسعه اینگونه برداشت از سلفیه در برخی از مناطق جهان گردید. آنها دچار جزم اندیشی، جمود و استبداد فکری هستند (جوذکی و برومند، ۱۳۹۲: ۱۵).

۲.۴ سلفیه اصلاحی یا جریان عقل‌گرای اجتهادی

به طور کلی، دغدغه اول این گرایش فکری، مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. در معرفت‌شناسی این شاخه، عقل جایگاه خاص خود را دارد. بگونه‌ای که بسیاری از اصلاح-طلبان معاصر در این حلقه گرد آمده‌اند و نام سلفیه بر خود نهاده‌اند. در همین راستا نیز، این جنبش رابطه خوبی با سلفیان سنتی و تقلیدی ندارد. جنبش مذکور گسترده‌ترین حرکت را در جهان اسلام بوجود آورد و در چند مرحله تکامل پیدا کرد و برخی از انشعابات آن دست به خشونت زدند. رجال شاخص آن سید جمال‌الدین اسدآبادی (د ۱۳۱۴ق) و شیخ محمد عبده (د ۱۳۲۳ق) بود، موجی از تقلید ستیزی و بازگشت به نص همراه با عقل‌پدیده آمد که به زودی هژمونی نص در آن بر هژمونی عقل سنگینی گرفت و زمینه پیوند

اصلاح طلبی دینی با سلفی گری را فراهم آورد. جنبش سیاسی مذهبی اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸م در مصر نیز در این ارتباط از سوی حسن البناء (م ۱۹۴۹م) شکل یافت. اخوان المسلمین برنامه اصلاحی خود را در جامعه اسلامی با الهام از آموزه های دینی بر سه اصل بنیان نهادند: ۱- جامعیت اسلام در تمام شئون زندگی؛ ۲. تأکید بر قرآن و احادیث نبوی به عنوان منبع اصلی اندیشه های اسلامی؛ ۳. قابل اجرا بودن احکام و مقررات اسلامی در همه زمان ها و مکان ها. سلفی های اصلاح گرا از جمله سید جمال الدین اسد آبادی و حسن البنا تأکید دارند بر ماهیت «رحمتی» جهاد تا «خشونت» آن تأکید می کنند. نتیجه آن که جهاد اسلامی به هیچ وجه مؤید کاربرد و ترویج خشونت (و براساس آن ترور) در عرصه عمل سیاسی - اجتماعی نیست. برداشت مذکور که توسط سید جمال الدین اسد آبادی و بنا بر آن تأکید شده، در روش علمی او نیز تجلی یافته است (شفیعی، ۱۳۹۳: ۸۳). این جریان به اصلاح فکر دینی و اصلاح نظام های آموزشی و مبارزه با بدعتها و خرافات توجه دارد.

گفتمان عقلگرایی اجتهادی معتقد است قرآن کریم خشونت و تروریسم را به هر شکل و صورتی که باشد و به هر روش و طریقه ای که به اجرا در آید در لیست اعمال و اقدامات حرام و منع شده قرار داده، چرا که نمی توان به خاطر مجازات گنهکار، خون بی گناهان را بر زمین ریخت و به حقوق، مال، عرض و ناموسشان تعرض کرد؛ از این رو خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: و لا تزر وازره وزر آخری؛ یعنی هرگز بار گناه کسی را دیگری بر دوش نخواهد گرفت. بیش از یکبار به امام علی (ع) گفته شد که از خوارج دوری کند، زیرا دشمنانش برای او نقشه ترور چیده اند و در پی قتل او هستند، اما حضرت به آنها می گفت: کفی بالموت حارشا؛ یعنی حراست و حفاظت مرگ از من برایم کافی است. اسلام به همه جرم و جنایتهایی که ممکن است ترس و وحشت در میان مردم برانگیزد به عنوان تروریسم کاملاً منفور و قویا محکوم می کند بلکه از آن اعلام براءت می کند و با دست اندرکاران آن مبارزه می کند. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۹۳ می فرماید: و من یقتل مومنا متعمدا، فجزاؤه جهنم خالدا؛ یعنی هرکس مومنی را به عمد بکشد، کیفر او دوزخ جاودان خواهد بود، قطعا از ریختن خون برادران مسلمان اجتناب می کند. حضرت علی (ع) در برابر تروریستها و قاتلان جنایت پیشه چنان موضع استواری داشت که نمی توان آن را با هیچ موضع گیری دیگری مقایسه کرد. امام علی (ع) به سپاه خود فرمان می دهد و دائم تکرار می کند: لا تقاتلو القوم حتی یبدوکم، فانکم بحمدالله علی حجه... فلا تقتلو مدبرا و لا تجهزوا

علی جریح و لا تکشفوا عورت و لا تمثلوا بقتیل، فاذا وصلتکم الی رحال القوم، فلا تهتکوا الستر و لا تدخلوا دارا الا باذنی، و لا تاخذو شیئا من اموالهم الا ما وجدتم فی عسکرهم: یعنی با دشمنانتان جنگ نکنید مگر اینکه آنها شروع کنند، آنگاه شما برای جنگیدن با آنها دلیل و حجت خواهید داشت. اما شما افراد در حال فرار از صحنه جنگ را مکشید و به زخمی ها حمله کنید و عورت کسی را آشکار مسازید و جسد هیچ کشته را مشوه و قطعه قطعه نکنید، پس اگر به خانه و کاشانه مردم رسیدید حفاظ و پرده آنان را مدیریت و زایل کنید و به هیچ خانه ای مگر با کسب اجازه از من وارد مشوید و هیچ چیز را از اموال شخصی آنها برای خود بر مدارید مگر آنچه را که در اردوگاه نظامی آنان یافتید (المندلاوی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۲۴).

از نظر سلفی های اصلاحی و جنبشهای عقلگرا یا اجتهادی بین تروریسم و جهاد مشروع تفاوت وجود دارد از جمله این تفاوتها می توان به موارد زیر اشاره کرد
فعالیت های تروریستی و عملیات جنگی مرتبط با آن ممکن است قبل یا در حین نبرد جهادی و یا حتی بعد از آن به اجرا درآید.

فعالیت های تروریستی، دشمن را در همه میدانها و تمامی سطوح مورد هدف قرار می دهد در حالی که جهاد مقدس متضمن عملیات نظامی که با نیروهای نظامی دشمن می جنگد و ابزار و ادوات جنگی آنها را منهدم کرده تا در میدان جنگ شکست بخورد.

بین ابزار و آلات جهت به اجرا درآوردن عملیات تروریستی نسبت به جنگ افزارهای مورد استفاده در عملیات جنگی در جهاد تفاوت قائل هستند.

افرادی که عملیات جهادی انجام می دهند به مشروع بودن اقدامات ایمان مطلق دارند و اگر به مرگ شان منتهی شود آنرا شهادت در راه خدا می دانند در حالی که وضعیت تروریست چنین نیست.

اسلام قطعا جنگ و کشتار را اجازه نمی دهد مگر اینکه عملیات جنگی، جهاد فی سبیل الله باشد بر علیه اهل ظلم و ستم و فساد یا به خاطر دفاع از خود یا جلوگیری از تهاجم به بلاد مسلمین باشد با روش پند و اندرز و موعظه حسنه. ابتدا به دفع ظلم و ستم و استبداد ستمگران می پردازد اگر این روش جواب نداد به روش منفی یعنی قطع روابط مسالمت آمیز با دشمن و سوم در صورت تجاوز دشمن و عدم توجه به موارد پیش گفته، به روشهای نظامی روی می آورد (المندلاوی، ۱۳۹۰، ۱۴۴-۱۴۵).

۳.۴ سلفی صوفی

تصوف، یکی از ریشه های فکری جنبش های اسلامی می باشد که منشاء شناخت حقیقت و وصول به آن را شهود می داند. در اثر اختلاف ذوق و سلیقه پیشوایان و اختلاف مشرب پیران و مشایخ بزرگ در سیر و سلوک، به ناچار صوفیه به فرقه ها و سلسله های متعددی با عقاید و آراء مختلف تقسیم شدند و هر سلسله تحت سرپرستی و راهنمایی پیر و مرشدی درآمد که بر مریدان و پیروان خود تسلط کامل داشت. طریقه های صوفی فراوانی وجود دارد. این جنبش از جنبشهای مردم پسند هستند و نگاه خوش بینانه به ماهیت انسان و پلورالیسم دارند. چهار شاخه مهم صوفیه عبارتند از نقشبندیه، قادریه، Chishtiyya، مجادیه (Mujaddiyya)، دو مورد اول طریقه های مهم و مسلط در قفقاز شمالی (چچن، داغستان و اینگوش) هستند. همچنین طریقه خالديه که شاخه ای از نقشبندیه است که در این منطقه فعالیت می کنند. صوفیها، اسلام را یک مذهب فردی و عرفانی می دانند. اسلام صوفی به لحاظ الهیاتی از اسلام متفاوت نیست اما تفسیر صوفی از اسلام، یک نگاه متفاوت به اسلام است. اشتیاق و محبت واسطه مهم برای رسیدن به خداست. از این رو صوفی ها از طیفی از تکنیکها برای حرکت به سمت خدا استفاده می کنند. از جمله این تکنیکها می توان به آواز خواندن، رقصهای چرخشی، چرخیدن دور قبور، اعتقاد به عصمت بزرگان، اشاره کرد. پیروان صوفیسم از اصول اصلی اسلام تبعیت می کنند اما همه طریقه های صوفی از اعمال دینی یا سنتی شیعه و سنی اطاعت نمی کنند. صوفیسم راهی برای کسانی است که علاقمند به یافتن عمل یا شیوه هایی برای حرکت به سمت بیداری درونی یا روشنگری درون است. در ابتدا صوفی ها تمایل به ریاضت های سخت داشتند آنها لباسهای پشمی زیر موصوم به صوف می پوشیدند. با این وجود نفوذ صوفی گری در طی قرنهای متمادی توسعه یافت و امروز صدها سبک یا سنت با میلیونها پیرو وجود دارد. سنت قادریه در بغداد توسط عبدالقادر گیلانی تاسیس شد و مهم ترین سنت در جهان به ویژه در منطقه چچن است. دومین فرقه یا طریقه مهم صوفی نقشبندیه است که از هند به عراق آورده شد (توسط شیخ خالد نقشبندیه در اوایل قرن ۱۳ و بعد ها به چچن وارد شد). اسلام عرفی یا صوفی در شکل صوفیسم در نواحی روستایی توسعه یافت. طریقت های صوفی مانند مذاهب عرفی یا مردم بنیاد، بر تفاسیر رمزی یا کنایه ای متون متمرکز هستند و به لحاظ تاریخی پیرامون یک قدیس یا شخص پرهیزگار سازمان یافته اند. اگر چه اکثریت

مسلمانان قفقاز، سنی مذهب و متعلق به مکتب حنفی هستند، اما این اسلام عرفی یا صوفی در فرم صوفیسم بود که در قفقاز شمالی در طول دوره حاکمیت شوروی دوام آورد؛ علت آن هم تمرکز بر رابطه فردی با خدا و اجازه دادن به طرفداران یا پیروان خود تا ایمان و مذهب خود را به صورت مخفیانه حفظ کنند و هیچ هشدار یا به کمونیستها نداد. به علت توانایی اسلام صوفی در سازگاری و بقا، اسلام صوفی و مردم نهاد به وسیله سایر فرق اسلامی مورد مخالفت قرار گرفتند و متهم به بدعت و وارد کردن باورهای غیر اسلامی در باورهای اسلامی نظیر رقص در طول عبادت و تقدیس شیوخ خود از جمله کتا حاجی شدند (Schaefer, 2010, 159-160).

رهبری جنبشهای اسلامی و استقلال طلب در منطقه قفقاز علیه روسیه تزاری و شوروی را شیخ شامل، شیخ منصور آشورمه ای، شیخ نجم الدین گوتسویی، کونتاحاجی و شیخ اوزون حاجی برعهده داشتند. شیخ شامل و شیخ منصور آشورمه ای تحت تاثیر فرقه نقشبندیه بودند که بر جهاد علیه کفار تاکید داشتند و کونتا حاجی هم تحت تاثیر فرقه قادریه بود که خط و مشی مسالمت آمیز دارند و کمتر بر جهاد و مبارزه تاکید دارند. در هر صورت دو طریقه قادریه و نقشبندیه الهام بخش رهبران و مسلمانان این منطقه در مبارزه با روسها هستند. هم اکنون در منطقه داغستان و چچن و اینگوش شاهد قیامها و شورشهایی برای خودمختاری و استقلال از فدراسیون روسیه هستیم. دلیل عمده شورش مردم چچن و اینگوش به خاطر سیاستهای تجزیه طلبانه و تفرقه انگیزانه روسیه تزاری و استالین در این منطقه و تلاش برای هویت زدایی تاریخی، اسلامی و قومی مردم منطقه است.

۴.۴ سلفیه جهادی – تکفیری

دال مرکزی گفتمان سلفیه جهادی تکفیری، شریعت اسلامی است و مهم ترین دال های این گفتمان، تفسیر حداکثری، انحصاری و ظاهر گرایانه از دین، جهاد مسلحانه و تعرضی، بازگشت به سلف خاص، اصالت خلیفه یا رهبری، نابرابری حقوقی و غیریت ستیزی با شیعه و غرب و قومیت گرایی و دولت خلافت، توحید الوهیت، توحید ربوبیت و توحید اسماء و توحید حاکمیت می باشد. نظریه پردازان اصلی این گفتمان، ابوالاعلی مودودی و سید قطب می باشد بنابراین، بنیادی ترین دالهای این گفتمان، تقابل با حاکمان فاسد، تأکید بر پاکدامنی، پیروی از قرآن و سنت صالحان، شیعه ستیزی، رهایی از استعمار و دالهای

همسو با آن است. به اعتقاد حامیان این گفتمان، دفاع از مقدسات و نفس یکی دیگر از عواملی است که جهاد را واجب می‌نماید. تا قبل از این، سلفی‌های جهادی کمی متفاوت‌تر از گروه بن لادن بودند زیرا بن لادن و ایمن الظواهری در اواخر فعالیت‌های سیاسی و فکری خود، جهاد علیه مسلمان را هم واجب دانستند و حکومت‌های کشورهای اسلامی را دچار مشکل کردند. بارزترین آنها القاعده و در شرایط فعلی داعش و جبهه النصره، جبهه تحریر مورو الاسلامیه، حرکت توحید و الجهاد، سپاه صحابه، لشکر جنگوی، سپاه طیبه، جندالله، جند العدل و طالبان است (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۵). برخلاف گفتمان‌های عقل‌گرای اجتهادی، گفتمان سلفی جهادی تکفیری به تقویت رویکردی می‌انجامد که به جای سیاست دوستی و همزیستی و مهربانی، خشونت‌ها را در اسلام برجسته می‌کند و خشونت تقدیس می‌یابد و به زعم سلفی‌ها ارائه هر تفسیری برخلاف تفاسیر ظاهرگرایانه سلفی‌ها به عنوان تهدیدی برای موجودیت دین اسلام تلقی می‌شود. اولین نمونه برداشت ظاهرگرایانه و متعصب، مارکین و خوارج بودند. آنها دشمنان خودشان را با کمترین بهانه تکفیر می‌کردند و ریختن خونشان و تعرض به شرفشان را برای خود مجاز و مباح می‌دانستند. امویان نیز سعی می‌کردند آیات قرآن کریم را در مسیر فرهنگ جبر و قدریه تاویل کنند تا از این طریق کارهای خودشان را توجیه نموده و همه تصور می‌کردند آنچه اتفاق می‌افتد و صورت می‌گیرد همه قضا و قدر الهی است و آنگاه جسورانه و آزادانه هر چه می‌خواستند انجام می‌دادند و این سیاست را با تظاهر به ایمان به خدا و روش‌های سیاسی یا با ترور، ایجاد رعب و وحشت سیاسی به پیش می‌بردند. اولین واقعیت تاریخی یعنی ایجاد نظام سیاسی خلافت پس از رحلت پیامبر (ص)، خود علت حقیقی پیدایش انواع تروریسم شد که اثری عمیق و منفی بر روحیه مسلمانان گذاشت و این واقعیت تاثیر بسیار بدی بر کارهای سیاسی داشت. خشونت و ترور از راس هرم مدیریت سیاسی و دینی دستگاه خلافت سرچشمه گرفت لذا اصل ایجاد رعب و وحشت به امر عادی و ساری مبدل شد و اهل بیت پیامبر (ص) و امت اسلام دچار حذف، فشار و تعدیل شدند. اولین نمود بیرونی آشکار سیاست رعب و وحشت و نظام تروریسم سیاسی که در زمان خلافت اسلامی پیش آمد این بود حق الله و حق الرسول را در زمینه انتخاب اولی الامر از کار انداخته و ابطال کردند. خوارج و امروز سلفی‌های جهادی - تکفیری نیز پرچم ترس، وحشت و ارباب و ترور را در سراسر بلاد مسلمین به اهتزاز درآوردند و اعمال شنیع و مجرمانه تروریستی در بین مردم انجام می‌دهند (المندلای، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

گفتمان تکفیری-سلفی سه نوع راهبرد خشونت‌بار را در دستور کار خود قرار داده است:

الف. خشونت‌ها و مبارزات واکنشی: این نوع از خشونت، اقدامی برنامه‌ریزی شده محسوب نمی‌شود و به طور معمول، به اقداماتی اشاره دارد که گاه به گاه و در واکنش به اقدامات خشونت‌بار و سرکوبگر حکومت‌ها، از سوی اعضای جنبش‌های اسلامی مثل اخوان المسلمین صورت گرفته است (نقوی، ۱۳۸۴: ۶).

ب. خشونت و مبارزات ایدئولوژیک؛ نوع دوم بر خلاف نوع نخست، خشونت سازمان یافته‌ی است که در چارچوب راهبرد کلی جنبش‌های اسلامی برای سرنگونی رژیم‌های سیاسی به کار گرفته شده است و جنبش‌های اسلامی معاصر، بخصوص از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد از این نوع خشونت ایدئولوژیک استفاده می‌کردند (سید نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

ج. خشونت و مبارزات فرقه‌ای. نوع سوم خشونت که آن را به خشونت فرقه‌ای تعریف و تعبیر می‌کنند، بر خلاف دو نوع نخست، هم به لحاظ اهداف مورد نظر و هم به لحاظ دامنه تلفات، بسیار گسترده تر از آنها بوده است. در واقع در دو نوع خشونت واکنش و خشونت ایدئولوژیک، جنبش‌های اسلامی مقامات غربی و رژیم‌های عربی و یا مراکز امنیتی بالا را هدف قرار می‌دادند و از کاربرد خشونت علیه مردم عادی پرهیز می‌کردند، اما در نوع سوم که نوعی اقدام کورکورانه و تروریستی است، مردم عادی و غیر نظامی نیز هدف عملیات خشونت‌بار گروه‌های اسلامی تندرو قرار گرفته‌اند. داعش و جبهه النصره و طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی تکفیری در برخورد با مخالفان خود به این نوع خشونت متوسل شدند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۲۶).

ایدئولوژی اصلی داعش و جبهه النصره یعنی سلفیسم جهادی عامل اصلی برانگیزنده شورش‌های تروریستها در سوریه است. بر اساس این ایدئولوژی حمله به غیرنظامیان و انجام حملات انتحاری مجاز است. ابو محمد المقدیسی یکی از مهم‌ترین ایدئولوگ‌های سلفیسم جهادی و از پدران معنوی دولت سلفیسم داعش است. البته پس از مدتی، ایشان مورد غضب داعش قرار گرفت چون مقدیسی در فتوای مذهبی خود، داعش را یک سازمان منحرف از مسیر حقیقت نامید که به سوی افراط‌گرایی می‌رود. المقدیسی در حالی که حامی تکفیر علیه دولت اسد بود معتقد بود ایدئولوژی تکفیر علیه گروه‌های سنی دیگر به ویژه جبهه النصره نادرست است. فقدان انسجام ایدئولوژیکی منجر به پرده‌های مختلفی از

تکفیر در درون داعش شده است چیزی که حسن حسن، فرهنگ تکفیریسلم در تکفیریسلم می نامد (۱۲۴). ایدئولوگ سلفی معاصر سوری، ابو بصیر الطروتوسی (الترتوسی) از عملیات انتحاری حمایت کرد ولو اگر منجر به این شود فرد انتحاری توسط دشمن کشته شود. در واقع این یک تاکتیک نظامی بود که داعش و تروریستها علیه مخالفان یا به قول داعش سربازان مرتد خود به کار گرفتند. در حقیقت می توان عمل داعش را پاک سازی قومی نامید نه تروریسم اسلامی. جنگجویان خارجی فعال در سوریه و عراق و افغانستان نیات و اهداف و عقلانیت متفاوتی نسبت به تروریست های اسلام گرای سلفی دارند. عوامل موقعیتی نظیر تجربه شخصی در جنگ، تلقین ایدئولوژیکی، تحت تاثیر رهبری کاریزماتیک بودن و عمل در چارچوب مجموعه ی قوانین سختگیرانه اطاعت از حاکم در شرکت گروه های جهادی سلفی در سوریه و عراق نقش دارند (warren,2020,17-131).

سلفی های جهادی - تکفیری (از جمله داعش) نابودی همه مخالفان خود اعم از حکومت های اکثر مسلمانی که به زعم داعش مرتد هستند یا کشورهای غیر مسلمان و عدم مصالحه با هیچ کس را خواستار هستند. طبق دومین موضوع مجله الدابق (dabiq)، داعش مخالف انتخاب آزاد است و این ایده که مردم می توانند انتخاب کنند که آیا از حقیقت اطاعت کنند یا باطل، یک ایده باطلی می داند و تاکید دارد که هر زمان انتخاب آزاد به مردم داده شد منجر به گمراهی آنها شد. از نظر سلفی های تکفیری، پاکسازی جامعه از کفر آشکار از حوزه انتخاب آزاد کافی نیست چون باعث تداوم بدعت و نفاق در جامعه می شود. از نظر سلفی های تکفیری هر کس حقیقت را انکار کند در دنیا قبل از آخرت مجازات می شود و هیچ انتخابی در این زمینه ندارد (Dallal,2017,21). نفی تکثر و حزب محوی، نفی توسعه سیاسی، رفتار سلبی و نص گرایی بدون تفسیر از دیگر دالهای مهم گفتمانی این جریان سیاسی و عقیدتی است.

جنبش سلفی تکفیری یک جنبش فوق العاده محافظه کار در درون اسلام سنی وهابی است. این دکتین به رویکرد بنیادگرایی در اسلام خلاصه می شود. اجازه دهید به سند برگردیم جایی که در صفحه ۵ این سند محرمانه در بخش 8c وزارت دفاع آمریکا چنین هشدار می دهد: «اگر شرایط مهیا شود احتمال تاسیس امارت سلفی در شرق سوریه وجود دارد و این دقیقا آن چیزی است که قدرتهای حامی اپوزیسیون می خواهند در سوریه اتفاق افتد تا بتوانند دولت اسد را منزوی کنند و دولت اسد از نظر آنها عمق راهبردی گسترش

شیعه ایران و عراق است». از این رو، آنچه که شما نیاز دارید بدانید این است که طبق گفته های وزارت دفاع آمریکا در این سند محرمانه، نیروهای اپوزیسیون، آمریکا، سعودی ها، اردن، قطر و .. خواهان ایجاد یک گروه اسلامی وهابی بنیادگرا یا سلفیست برای سلطه بر شرق سوریه هستند تا از این طریق دولت سوریه را منزوی و سرنگون کنند (blog And Madsen,2016: 198-200).

۵. فهم سلفی های اخوان المسلمین از شریعت، تبلیغ، عدالت، برابری و وحدت

مقصود از شریعت در اینجا، اعتقادات و احکام دین مبین اسلام است. اخوان المسلمین به پیروی از اصول انسانی مبتنی بر شریعت به عنوان زیر بنای تمام نظام ها و مبانی زندگی و اصول مطلق دعوت کرده اند. جوهره دعوت در دو نکته قابل جمع است. حسن البناء منابع اساسی تعالیم اسلامی را قرآن و سیره رسول اکرم (ص) می دانست و تأکید داشت مردم با تکیه بر این دو به کامروایی دست می یابند و خواهان بازگشت به اسلام اصیل بود، نه اسلامی که به مرور زمان در جوامع مختلف بر اثر نفوذ صاحبان قدرت، ابزاری برای دستیابی به منافع آنان علیه مردم عامی شده بود. درحالی که اسلام اصیل تمامی عرصه های زندگی انسان را در هر دو جهان مورد توجه قرار می دهد، که در این صورت آن را می توان ((مکتب عبادی، وطن دوستی، تمدن، دین، اخلاق و شمشیر نامید)). ولی در انتقاد از کسانی که عنوان می کردند نباید وارد مسائل سیاسی گردید، اعتقاد داشت اصولاً هدف اسلام بر پایی حکومت اسلامی و استقرار عدالت در جامعه می باشد و بدون ورود به سیاست، دین نمی تواند به اهداف اصیل خود دست یابد، اگر ملت ها قصد دارند رستگار شوند باید قوانین اسلامی را با تأکید بر ارزش های اسلامی اجرایی نمایند و اگر دین رسمی کشور اسلام است، تمامی مسائل کشور باید اسلامی باشد و همه نهادهای حکومتی قدرت خود را از اسلام اخذ نمایند (محمودیان، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

علم، دانش یکی از مفاهیم اساسی گفتمان اسلام سلفی اصلاحی و اخوان المسلمین است. گفتمان اخوان المسلمین علم را یکی از ستون های استوار اسلام و آموختن آن را بر هر مسلمانی یک فریضه شرعی و یک وظیفه ملی می دانست و معتقد بودند که هر کس بیشتر دانش بیندوزد، به انجام وظیفه دینی و شرعی خود بیشتر توجه و عمل نموده است. حسن البناء یکی از عوامل اساسی در انزوا و بی قراری و نیز بحران های پی در پی جامعه و کشور

مصر و حتی جهان اسلام را غفلت از علم و دانش و مزیت‌های فراوان آن می‌دانست. گفتمان اخوان المسلمین نه تنها عقب‌ماندگی و سرخوردگی و بحران‌های شدید جامعه‌ی مصر را ناشی از بی‌سوادی و دور ماندن از قافله‌ی علمی جهان مدرن می‌دانست، بلکه تعامل با دنیای مدرنیته و بهره‌گیری از فرصت‌های علمی، پژوهشی، صنعتی... آن را لازمه‌ی توسعه و تعالی جهان اسلام و مسلمانان می‌دانست (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

این گفتمان اذعان دارد که آگاهی و مشارکت و نظارت همگانی مردم ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد شد. زیرا همانگونه که اهمیت سلول‌های موجود زنده با تفاوت وظایف آن، پایاپای است و همان‌طوری که میان خود همکاری دارند و هیچ سلولی از دیگری بی‌نیاز نمی‌تواند باشد و به همان نحو که نظام راز حیات و نبود آن نشانه‌ی مرگ سلول است. بر فرد مسلمان در جامعه نیز همان شاخص‌ها حاکم است: او و دیگر افراد صرفنظر از هر وظیفه‌ای که در جامعه دارند، همانند دانه‌های شانه برابرند و دارای همان حقوق و وظایف انسانی عمومی‌اند. آنان اعضای یک جامعه‌اند، در آن زندگی می‌کنند تا هم خود را خوشبخت سازنده و هم دیگران را (میشل، ۱۳۸۷: ۷۹).

اخوان المسلمین به منظور بهره‌گیری از مفاهیم پر جذبه‌ی عدالت، زمان و توان فراوانی را صرف تبیین و بازنمایی علل و عوامل تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه‌ی مصر، جهان اسلام و نظام بین‌الملل کردند و از این طریق سعی در هوشیاری، بیداری و فعال کردن عناصر و گروه‌های اجتماعی و جذب و سامان‌دهی آنان به درون گفتمان اسلام سیاسی نمایند. جنبش اخوان المسلمین با مقایسه‌ی وضع نامطلوب و متزلزل مسلمانان امروز با دوران صدر اسلام که سلطه پیروزمندانه اسلام و مسلمانان در لوای امپراطوری قدرتمند و گسترده اسلامی و دستاوردهای شایان توجه و خیره‌کننده آن موجب شد و با استفاده از آیه‌ای از قرآن که خطاب به مسلمانان می‌گوید: (شما بهترین امتی هستید که خلق شدید). گفتمان اخوان با توسعه‌ی چنین مفاهیم و نشانه‌های در برانگیختن و همراه کردن مسلمانان و معنادهی و صورت‌بندی اجتماعی آنان موفقیت‌های بی‌شماری بدست آورد. گفتمان اسلامی - سیاسی اخوان زمانی که خود را به عنوان نماد تقاضاها و مطالبات مذهبی جامعه‌ی مصر احساس می‌کرد، دست به ایجاد کارزاری برای تقریب مذاهب تسنن و تشیع زد (لیا، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۴).

۶. نتیجه گیری

جهاد تدافعی مفهوم پذیرفته شده و مطابق هنجارهای بین المللی دفاع از خود و تئوری جنگ عادلانه مسیحی-یهودی است. بر طبق نظر اغلب محققان اسلامی، زمانی که نیروی خارجی به سرزمین مسلمانان حمله می کنند وظیفه همه مسلمانان است که برای دفاع از دین و ایمان مسلمانان جهاد کنند. جهاد تدافعی تاکید زیادی بر عدالت دارد و دفاع از جامعه دینی در برابر تهاجم خارجی را دلیل مناسب و عادلانه برای شرکت در جهاد می داند. در قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۹۰ نیز به این مفهوم اشاره دارد: در راه خدا علیه کسانی که با شما سر جنگ دارند مبارزه کنید اما از عدالت خارج نشوید چون خداوند متجاوزین را دوست ندارد. ایده جهاد تدافعی توسط سلفی های تکفیری جهادی و به خصوص ابومصعب زرقاوی از سال ۲۰۰۵ مورد سوء استفاده قرار گرفت. ایشان در فتوای خود اعلام کرد: جهاد ما در عراق همانند جهاد ما در افغانستان، کشمیر، چین و بوسنی، جهاد مقدس و افتخارآمیز است (warren, 2020, 30-131). پس مفهوم جهاد تدافعی توسط تروریست های تکفیری تحریف و به سرقت رفت. چون کسانی که در جهاد تدافعی شرکت می کنند مجاهد هستند نه تروریستی که برای رسیدن به اهداف خود از هر ابزاری ولو کشتن انسان های بی گناه استفاده می کند. چون قربانی حملات تروریستها نظامیان خارجی، صهیونیستها، دولتهای مستبد و مرتجع منطقه نیستند بلکه انسان های بی گناه و غیرنظامی و عمدتاً شیعیان هستند. رژیم های مستبد عربی نیز برای جلوگیری از ورود افراطگرایان به کشور خود و به امید اینکه آنها کشته شوند افراط گرایان سلفی را راهی جهاد ساختگی در سوریه، عراق و افغانستان کردند و از این طریق ضمن کسب مشروعیت و وجهه دینی، به سرکوب جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک پرداختند. داعش و ایمن الظواهری معتقد بودند که جهاد علیه دشمن نزدیک یعنی ایران و محور مقاومت بر دشمن دور اولویت دارد. ایمن ابظواهری کتابی نیز با عنوان: کتاب سیاه: شکنجه مسلمانان تحت حکومت مبارک به نگارش درآورد. اما اقدامی علیه حکومت های استبدادی از جمله مبارک انجام ندادند و سلفی های النور با کمک عربستان و حمایت خارجی دولت مردمی السیسی را سرنگون کردند.

جنبش های سلفی و تقلیدی فاقد الگوی سیاسی کارآمد و مدرن می باشند و تمایل کمتری به دخالت در حوزه سیاسی دارند و سیاست پرهیزی دارند. این گروه ها تضادهای

جدی با حکومت‌های مستبد یا سیاسی نداشته و در حاشیه حوزه سیاسی به امور مذهبی می‌پردازند. پیامد سیاسی و امنیتی گسترش این نوع جریان‌ات در جهان اسلام و خاورمیانه و آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی تثبیت و نهادینه شدن محافظه‌کاری و استبداد سیاسی می‌باشد و باعث تداوم استبداد و خودکامگی در این کشورها و تامین امنیت نظام‌های سیاسی موجود و فاسد می‌شود و این جنبش‌ها از ایجاد امنیت و ثبات پایدار منطقه‌ای و پایدار در جهان اسلام عاجزند و زمینه ناامنی در سطح جهان اسلام و کشورهای خود را فراهم می‌کنند. سلفی‌های جهادی تکفیری، با سوء استفاده از بحران‌های موجود در جهان اسلام امکان بسیج گسترده‌ای از مردم را در سوریه و عراق، آفریقا و خاورمیانه و افغانستان در جهت مبارزه با نظام‌های استبدادی و فاسد فراهم کردند اما به دلیل عقل‌گریزی و تفسیر ظاهری از اسلام از عمق اندیشه‌ای کمی برخوردار و چهره‌ای ضد تمدنی از خود و اسلام نزد جهانیان به نمایش می‌گذارند. همچنین زمینه ساز منازعات قدرت منطقه‌ای و مداخلات قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه شده و باعث تشدید بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در این کشورها می‌شوند و زمینه ساز بحران امنیت، هویت و مشارکت سیاسی شدند. سلفی‌های علمی یا تبلیغی به دنبال اصلاح و تربیت جامعه هستند و کار فرهنگی را در اولویت قرار می‌دهند و علاقه‌ای به سیاست ندارند. سلفیه حکومتی هم بر تبعیت از حاکمان فعلی جهان عرب و غیر عرب تاکید می‌کند. نوعی منازعه بین خودگفتمان‌های سلفی در جریان است و هر یک از این گفتمان‌ها تلاش می‌کنند تا حداقل در رقابت با گفتمان‌های اسلامی موجود در صحنه سیاسی و دینی جهان عرب و جهان اسلام به هژمونی دست یابند و توسعه سیاسی در این جوامع را تحت تاثیر قرار دهند.

کتاب‌نامه

- ابو طه، انور عبدالهادی (۲۰۱۵). *السلفیه الجهادیه و مسأله الدوله*، بحث منشور فی موقع معهد الدراسات الدینیة و الفلسفیه.
- المندلای، محمد محمود (۱۳۹۰)، *الارهاب عبر التاريخ*، (The Terrorism Through History) ترجمه محمد رضا میرزاجان، تهران، انتشارت موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۹) «پیشگامان بیداری اسلامی در مصر»، *افصلنامه معرفت*، سال نوزدهم، شماره ۱۵۱، صص ۸۹-۱۱۰.

مطالعه اندیشه و عملکرد جنبش های سلفی ... (رضا التیامی نیا) ۲۳

پرویز، محسن (۱۳۹۲) «جنبش های اسلامی معاصر، نظریه های سیاسی»، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترس در: <http://siasatzadegi.blogfa.com>

جودکی، حجت الله، عباس برومند اعلم، و زهیر صیامیان (۱۳۹۲) «جنبش های سیاسی خاورمیانه از سلفی گری تا نوسلفی گری» مجله: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۸۵، صص ۴ تا ۱۵.

حدادی، علی (۲۰۱۱). «صفات الخوارج والتحذیر منهم». موقع الإمام الآجری، الرابط = <http://www.ajurry.com/vb/showthread.php?t=۱۶۷۴>

حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. تهران: نشر دانشگاه مفید.

ذوالفقاری، سیدمحمد، (۱۳۹۲)، «درآمدی بر جنبش سلفی در مصر، پیش و پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م»، مجله پژوهش های منطقه ای، سال اول، شماره ۱۰، صص ۲۰۵ تا ۲۴۰.

سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، «سلفی گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۷، صص ۹۵ تا ۱۲۲.

سید نژاد، سید باقر (۱۳۹۰)، «رویکرد شناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی گری»، مجله فلسفه دین، شماره ۱۱، صص ۱۳۱ تا ۱۶۰.

عماد، عبدالغنی (۲۰۱۳). *موسوعه الحركات الإسلامیه فی العالم العربی*. بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیه

فاضلی، محمد (۱۳۸۳) «گفتمان انتقادی» پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴۰.

فوزی، یحیی (زمستان ۱۳۸۹) «گونه شناسی فکری جنبشهای اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی - امنیتی آن در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم.

لیا، برونیار (۱۳۸۸). *جمعیت اخوان المسلمین مصر*، ترجمه سید عبدالله فرهی، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.

محمودیان، محمد (۱۳۹۱). «جنبش اخوان المسلمین و آینده سیاسی مصر». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره اول، صص ۱۰۰-۱۴۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر*، قم، انتشارات اسلامی.

موثقی، سید احمد (۱۳۷۱)، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*. جلد ۲، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی

میشل، ریچارد (۱۳۸۷)، *تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا کنون*. ترجمه خسرو دولت شاهی، تهران: مرکز اسناد وزات امور خارجه.

نیاکویی، امیر (۱۳۹۱)، *کالبد شکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب*، تهران: نشر میزان.

- Al-Fahad, Abdulaziz (2004), From Exclusivism to Accommodation: Doctrinal and Legal Evolution of Wahhabis, New York University Law Review, vol 79, no 2, may
- blog, George Washington and madsen, Wayne (2016) isis is us, ProgressivePress.com, San Diego, Calif.
- Dallal, ahmad (2017) the political theology of isis, prophets, messiahs, and the extinction of the grayzone, by Alicia and kylie Broderick.
- Fadaei Mehrabani, Mahdi, (2017), Religion In Itself Or Exclusivist Interpretation: Is Religion Inherently Violent? University Of Tehran, Iran.
- Kinnvall, C. (2004) Globalization and religious nationalism: Self, identity, and the search for ontological security. Political Psychology 25(5): 741–767.
- Mark, Tomass, (2017).The ideological origins of ISIS, Fighting terror with common sense.
- Schaefer, Robert W, (2010), the insurgency in Chechnya and the North Caucasus: from gazavat to jihad /Praeger
- Warren,roger(2020)Terrorist Movements and the Recruitment of Arab Foreign Fighters, London, British Library